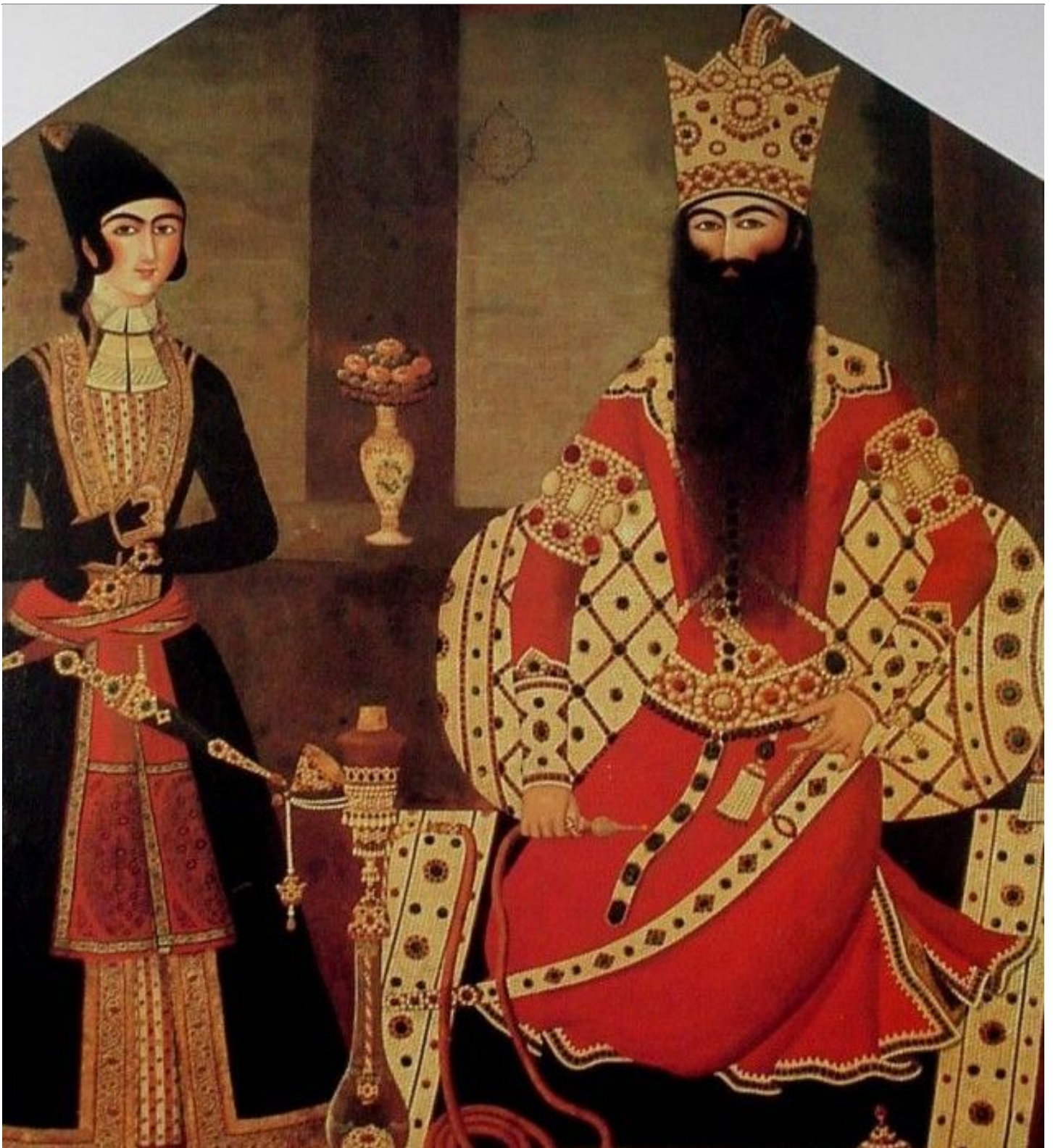


وقتی شاه با ناز کشور را می فروخت

۳۰ فروردین ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۵۸

شاه دلش از تمنای رعیت به رحمت آمد و گفت : باشد . به خاطر رحم بر جمیع دشمنانمان به خصوص در بلاد کفر ، شمشیر در نیام فرو نگه می دارم . عهدنامه را بیاورید . عهدنامه ترکمنچای را برای فتحعلی شاه آوردند و او به سرعت ایالات شمال شرقی ایران را به عنوان غرامت مهر و امضا کرد .

شمشیر از نیام کشیده بود ، خشمگین در هوا شمشیر را می تکاند تا صفیرش دل وزیر و وکیل را به لرزه در آورد . نامه خوان ، ورق گشوده را جمع نمود و خیره به دنبال عکس العمل اعلی حضرت ، قدر قدرت و سایه خدای متعال بر روی زمین بود . شاهنشاه گلو را صاف کرد و رسا گفت : اگر این شمشیر در نیام فرو برده را دوباره بیرون کشم چه خواهد شد . وزیر و صدراعظم و فراش باشی به پای اعلی حضرت افتادند که اعلی حضرت شمشیر به غلاف بر که بدا به حال روس بدا به حال روس .



شاهنشاه چشم غره ای رفت ، وجناتش رو به دولتین انگلیس و فرانسه شد که اگر شمشیر کشم.... آهن شمشیر را به قاعده بند انگشتی بیرون آورد ،دستش بوسیدند و پایش مالیدند تا خشمش فرو کش کند در حالی که خدم و حشم فریاد می زدند بدا به حال انگلیس ، بدا به حال فرانس ... شاه دلش از تمنای رعیت به رحمت آمد و گفت : باشد . به خاطر رحم بر جمیع دشمنانمان

به خصوص در بلاد کفر، شمشیر در نیام فرو نگه می دارم . عهدنامه را بیاورید . عهدنامه ترکمنچای را برای فتحعلی شاه آوردند و او به سرعت ایالات شمال شرقی ایران را به عنوان غرامت مهر و امضا کرد .

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۲۱۸۲/فروخت-میه-کشور-ناز-شاه-وقتی>